

A Comparative Study of the ‘Condition Restricting Sexual Pleasure’ from the Perspective of Islamic Schools of Thought and Iranian Law

Akbar Khadem al-Zakerin¹

Elnaz Jahanpoor²

Sa‘eed Karimi³

(Received on: 2025-07-16; Accepted on: 2025-09-14)

Abstract

This article seeks to examine the legitimacy of the ‘condition restricting sexual pleasure’ from the perspective of Imamiyyah (i.e. Twelver Shi’a) and Shāfi‘ī (Shafi’ite) jurists, as well as other Sunni schools of thought, using a descriptive-analytical method and relying on library research and jurisprudential analysis. The results of the research indicate that the condition restricting sexual pleasure is legitimate and enforceable, provided it is agreed upon by both spouses and does not contradict the essential nature of the marriage contract. This condition can help strengthen the foundation of the family and allows the spouses to prevent marital conflicts and tensions by setting specific terms. The innovation of this research lies in its comparative and comprehensive approach to the subject of the condition restricting sexual pleasure. This study not only analyzes the jurisprudential and legal dimensions of this condition but also examines its social and cultural impacts on marital relations. Through this approach, the article attempts to provide practical solutions for couples and contribute to a better understanding of the challenges in marital life. Thus, this research can serve as a scientific and practical resource for improving the quality of marital life and strengthening the family foundation in modern conditions.

Keywords: condition, sexual pleasure (*Istimtā*), marriage contract, Islamic jurisprudence, Iranian law.

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. Email: a.khadem1341@gmail.com

2. Ph.D. Graduate in Family Jurisprudence, Masoumiyeh Specialized Seminary School, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: jahanpoor6363@gmail.com

3. Bachelor’s Degree Graduate in Law, Urmia University of Applied Sciences. Email: saiedkarimi@gmail.com

بررسی تطبیقی شرط محدودیت استمتاع از منظر مذاهب اسلامی و حقوق ایران

اکبر خادم‌الذکرین^۱

الناز جهان‌پور^۲

سعید کریمی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳]

چکیده

این مقاله درصدد است به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و تحلیل اجتهادی، مشروعیت شرط محدودیت استمتاع را از دیدگاه فقیهان امامیه، شافعیه و سایر مذاهب اهل سنت بررسی کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد شرط محدودیت استمتاع در صورت توافق زوجین و عدم مغایرت با مقتضای عقد نکاح، مشروع و اجراشدنی است. این شرط می‌تواند به تحکیم بنیان خانواده کمک کند و به زوجین این امکان را می‌دهد که با تعیین شرایط خاص، از بروز اختلاف‌ها و تنش‌های زناشویی جلوگیری کنند. نوآوری این تحقیق در رویکرد تطبیقی و جامع آن به موضوع شرط محدودیت استمتاع است. این تحقیق نه تنها به تحلیل ابعاد فقهی و حقوقی این شرط می‌پردازد، بلکه به بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آن در روابط زناشویی نیز توجه می‌کند. از طریق این رویکرد، مقاله می‌کوشد راهکارهای عملی برای زوجین ارائه دهد و به درک بهتر از چالش‌های موجود در زندگی زناشویی کمک کند. به این ترتیب این پژوهش می‌تواند در جایگاه یک منبع علمی و عملی برای بهبود کیفیت زندگی زناشویی و تحکیم بنیان خانواده در شرایط مدرن مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: شرط، استمتاع، عقد نکاح، فقه اسلامی، حقوق ایران.

۱. استادیار گروه فقه و اصول، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران. a.kahadem1341@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری فقه خانواده، مدرسه علمیه تخصصی معصومیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

jahanpoor6363@gmail.com

۳. دانش آموخته کارشناسی حقوق، دانشگاه علمی کاربردی ارومیه. saiedkarimi@gmail.com

مقدمه

عقد نکاح از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین قراردادهای انسانی است که در نظام حقوقی و فقهی اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. این قرارداد نه تنها در جایگاه نهادی اجتماعی شناخته می‌شود، بلکه آثار خاص و پیچیده‌ای را به همراه دارد که با اراده افراد تغییر پذیر نیست؛ به همین دلیل عقد نکاح از لحاظ فردی و اجتماعی با قراردادهای دیگر مقایسه‌شدنی نیست. در این میان، شروط ضمن عقد یکی از ابزارهای قانونی و شرعی است که به زوجین امکان می‌دهد تا در چارچوب امور مشروع، توافقات خاصی را در راستای تحکیم خانواده و مدیریت روابط زناشویی مطرح کنند.

«شرط محدودیت استمتاع» یکی از شروط است که به معنای محدود کردن بهره‌مندی جنسی زوجین به زمان یا مکان خاص است. با توجه به تغییرات فرهنگی و اجتماعی در دنیای مدرن، این شرط به ویژه در روابط زناشویی امروزی اهمیت بیشتری یافته است و نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد.

تحقیق در زمینه عقد نکاح و شروط ضمن آن نشان می‌دهد بسیاری از پژوهشگران به تحلیل ابعاد مختلف این قرارداد پرداخته‌اند. در فقه اسلامی، آثار و احکام مرتبط با عقد نکاح و شروط آن به گستردگی بررسی شده است؛ برای مثال آثار فقهی و حقوقی شروط ضمن عقد در آثار فقیهان و نویسندگان حقوقی همچون علامه حلی، شهید اول و شهید ثانی به تفصیل ارائه گردیده است. در حقوق ایران نیز مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی به بررسی شروط ضمن عقد و تأثیر آن‌ها بر روابط زناشویی پرداخته‌اند. با این حال، مطالعات کمتری به بررسی تطبیقی و عمیق شرط محدودیت استمتاع در فقه اسلامی و حقوق ایران پرداخته‌اند. پژوهش‌هایی که به بررسی این شرط پرداخته‌اند، مانند «واکاوی تزامن حق حبس و حق استمتاع بین زوجین و راهکارهای حل» (۱۴۰۱) است که شرط محدودیت استمتاع در جایگاه یک راهکار را مطرح می‌کند و به جنبه‌های مختلف آن نمی‌پردازد و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی شرط محدودیت

استمتاع بر روابط زناشویی و تحکیم خانواده به طور جزئی بررسی شده است. مقاله «شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح از دیدگاه فقیهان امامیه و شافعیه» (۱۴۰۲) به تحلیل ابعاد فقهی آن بسنده کرده است و نویسنده فقط در دو مذهب امامی و شافعی این شرط را بررسی می‌کند و به بعد حقوقی آن اشاره‌ای نکرده است. در برخی از مقالات مانند «بررسی جایگاه و قلمرو استمتاع زوج در فقه و حقوق ایران» (۱۴۰۳) فقط مذهب امامیه با جنبه حقوقی بررسی شده است و سایر مذاهب مغفول مانده و به شرط محدودیت استمتاع نیز اشاره‌ای نشده است. بنابراین هیچ‌یک از پژوهش‌ها به طور جامع به تطابق فقه اسلامی و حقوق ایران در این موضوع نپرداخته‌اند.

با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جوامع معاصر و چالش‌های متعددی که زوجین در روابط زناشویی خود با آن مواجه هستند، بررسی مشروعیت و کارایی شرط محدودیت استمتاع به عنوان یک ابزار قانونی و شرعی در مدیریت روابط زناشویی ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا این شرط می‌تواند راهکاری مؤثر در حل مشکلات زناشویی مطرح شود؟ و چگونه می‌توان از آن در جایگاه ابزاری برای تحکیم بنیان خانواده استفاده کرد؟

این تحقیق با روش تطبیقی به بررسی شرط محدودیت استمتاع در دو نظام فقه اسلامی و حقوق ایران می‌پردازد و می‌کوشد با ارائه راهکارهای عملی و نظری، به فهم بهتری از این شرط و آثار آن بر روابط زناشویی دست یابد. این نوآوری در رویکرد پژوهش، می‌تواند در جایگاه یک منبع علمی و عملی برای زوجین و پژوهشگران در این باره استفاده شود و به بهبود کیفیت زندگی زناشویی و تحکیم بنیان خانواده کمک کند. بنابراین این پژوهش به دنبال ایجاد چارچوبی نظری و عملی برای درک بهتر شرایط و الزامات مربوط به عقد نکاح و شروط ضمن آن است. در مقاله حاضر، نوآوری اصلی در بررسی تأثیر توافقات اولیه بر روابط زناشویی و مدیریت نیازهای جنسی زوجین نهفته است. این نوآوری به ویژه در زمینه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد

توجه قرار گرفته است. با توجه به اینکه بسیاری از پژوهش‌ها به تحلیل نیازهای جنسی و عاطفی در روابط زناشویی پرداخته‌اند، این مقاله به بررسی چگونگی ایجاد توافقات شفاف و صادقانه میان زوجین به عنوان ابزاری برای تقویت اعتماد و امنیت عاطفی می‌پردازد. این رویکرد جدید به ویژه در شرایطی که یکی از زوجین به دلایل مختلف قادر به تأمین نیازهای جنسی نیست، می‌تواند به حفظ و تداوم زندگی مشترک کمک کند. همچنین این مقاله به بررسی نظریه‌های روان‌شناسی و اجتماعی مرتبط با توافقات زناشویی می‌پردازد و به تحلیل تأثیر این توافقات بر کیفیت روابط و کاهش تنش‌ها و اختلافات میان زوجین می‌پردازد. این نوآوری می‌تواند به عنوان یک راهکار عملی برای زوجین در مواجهه با چالش‌های زندگی زناشویی مورد استفاده قرار گیرد و به بهبود کیفیت زندگی مشترک کمک کند.

۱. مفاهیم اساسی تحقیق

۱-۱. نکاح

«نکاح» در لغت به معنای وطی و جماع است؛ اما در اصطلاح شرعی به معنای عقدی است که موجب حلیت استمتاع زوجین از یکدیگر می‌شود. نکاح در فقه اسلامی، عقدی شرعی و دارای شرایط و ارکان خاصی است که از جمله آنها اباحه استمتاع است (ابن فارس، ۱۳۹۹ هـ، ج ۵، ص ۴۷۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ، ج ۲، ص ۶۲۶). این عقد که سنگ بنای تشکیل خانواده است، از دیدگاه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد.

۲-۱. شرط

«شرط» در لغت به معنای الزام و التزام است و در اصطلاح فقهی، امری است که در صورت وجود آن، حکم به مشروط اضافه می‌شود. شرط ضمن عقد نکاح می‌تواند شامل تعهدات زوجین در قبال یکدیگر باشد (انصاری، ۱۴۱۵ هـ، ج ۳، ص ۲۱۵).

۱-۳. تعریف شرط محدودیت استمتاع

«شرط محدودیت استمتاع» به معنای محدود کردن بهره‌مندی جنسی زوجین به زمان یا مکان خاص است. این شرط می‌تواند شامل محدودیت زمانی (مانند عدم استمتاع در ساعات خاصی از روز) یا مکانی (مانند عدم استمتاع در مکان خاصی) باشد. این شرط با هدف تنظیم روابط زناشویی و جلوگیری از بروز اختلاف‌ها میان زوجین مطرح می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۱هـ، ج ۵، ص ۱۸۱).

«شرط محدودیت استمتاع» می‌تواند به چند دلیل اهمیت داشته باشد؛ اول: با تعیین شرایط خاص، زوجین می‌توانند از بروز اختلاف‌ها جلوگیری کنند. دوم: این شرط می‌تواند به حفظ حریم خصوصی خانواده کمک کند. سوم: با توجه به مشغله‌های زندگی مدرن، به تأمین نیازهای عاطفی زوجین کمک می‌کند.

تأثیر «شرط محدودیت استمتاع» بر رضایت مندی زوجین به چند طریق مشاهده‌شدنی است:

نخست: تعیین شرایط خاص برای استمتاع می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تعارضات در روابط زناشویی کمک کند. وقتی هر کدام از زوجین از قبل می‌دانند چه زمانی و چگونه می‌توانند از یکدیگر بهره‌مند شوند، احتمال بروز اختلاف‌ها کمتر می‌شود.

دوم: این شرط می‌تواند به افزایش تعاملات مثبت میان زوجین منجر شود. با تعیین زمان‌های مشخص برای استمتاع، زوجین می‌توانند زمان بیشتری را به فعالیت‌های مشترک و تعاملات عاطفی اختصاص دهند که این امر به تقویت رابطه کمک می‌کند.

سوم: با اجرای این شرط، زوجین به یکدیگر توجه بیشتری خواهند داشت و نیازهای عاطفی و جسمی یکدیگر را بهتر درک خواهند کرد. این امر می‌تواند به افزایش رضایت مندی و کاهش احساس تنهایی در روابط زناشویی منجر شود.

همچنین «شرط محدودیت استمتاع» می‌تواند به کاهش طلاق عاطفی کمک کند. درواقع با افزایش تعاملات مثبت و کاهش تنش‌ها، از احتمال بروز طلاق عاطفی کاسته می‌شود و زوجین می‌توانند به زندگی مشترک خود ادامه دهند. افزون بر این با توجه به اینکه این شرط می‌تواند به تحکیم روابط زناشویی کمک کند، بنیان خانواده نیز تقویت می‌شود. خانواده‌های مستحکم‌تر به احتمال بیشتری می‌توانند در برابر چالش‌ها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی مقاومت کنند. همچنین این شرط به زوجین امکان می‌دهد که به تفاوت‌های یکدیگر توجه کنند و با احترام به نیازهای یکدیگر، روابط خود را بهبود بخشند. این احترام متقابل می‌تواند به کاهش تنش‌ها و درنهایت کاهش طلاق منجر شود.

درنهایت، «شرط محدودیت استمتاع» در فقه اسلامی و قانون/قوانین ایران می‌تواند در جایگاه ابزاری مؤثر در تنظیم روابط زناشویی و بهبود رضایت‌مندی زوجین استفاده شود. با رعایت اصول مناسب در تعریف و اجرای این شرط، می‌توان به کاهش طلاق و تقویت بنیان خانواده کمک کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود زوجین با توجه به نیازها و شرایط خاص خود، از این شرط به عنوان راهکاری عملی استفاده کنند و به بهبود روابط زناشویی خود پردازند.

برخی از مصادیق امروزی این شرط عبارت‌اند از:

شرط محدودیت استمتاع در صورت اشتغال زوجه: امروزه بسیاری از زنان شاغل هستند و ممکن است به دلیل مشغله‌های کاری، زمان کمتری برای استمتاع داشته باشند. زوجین می‌توانند شرط کنند که در روزهای کاری، استمتاع محدود شود تا زوجه بتواند به کار خود برسد.

شرط محدودیت استمتاع در صورت بیماری یا شرایط خاص: در مواردی که یکی از زوجین به دلیل بیماری یا شرایط خاص (مانند بارداری یا شیردهی) توانایی استمتاع ندارد، می‌توان شرط کرد که استمتاع تا بهبودی کامل محدود شود.

تنظیم زمان استمتاع: زوجین می‌توانند شرط کنند که در ساعات خاصی از روز یا شب (مثلاً ساعات کاری یا زمانی که فرزندان در خانه هستند) از استمتاع خودداری کنند. این شرط می‌تواند به حفظ حریم خصوصی و آرامش خانواده کمک کند. محدودیت مکانی: زوجین می‌توانند شرط کنند که استمتاع تنها در مکان‌های خاصی (مانند اتاق خواب) انجام شود. این شرط می‌تواند به حفظ حریم خانواده و جلوگیری از بروز اختلاف‌ها کمک کند.

۲. بررسی دیدگاه فقیهان امامیه درباره شرط محدودیت استمتاع

فقیهان امامیه درباره شرط محدودیت استمتاع به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: قائلان به جواز، قائلان به منع و قائلان به تفصیل. هر یک از این دیدگاه‌ها ادله و استدلال‌های خاص خود را دارند که در ادامه به تفصیل بررسی می‌شوند.

۲-۱. قائلان به جواز

این گروه از فقیهان مانند صاحب جواهر، محقق حلی و ... معتقدند شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح صحیح است و با مقتضای عقد منافاتی ندارد. این گروه به عمومات لزوم وفای به عقد و شرط استناد می‌کنند. ادله این گروه عبارت‌اند از: الف) عمومات لزوم وفای به عقد: فقیهان این گروه به آیه «أوفوا بالعقود» (مائده ۵: ۱) استناد می‌کنند که بر لزوم وفای به عقد و شروط ضمن آن تأکید دارد. شرط محدودیت استمتاع نیز در صورتی که با مقتضای عقد نکاح مغایرت نداشته باشد، مشمول این آیه است (محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۲، ص ۲۷۳). به نظر می‌رسد که این شرط هیچ‌گونه مخالفی با مقتضای عقد نکاح که حلیت و طمی است ندارد؛ زیرا اولاً: شرط محدودیت استمتاع، حق زوج را به طور کلی نفی یا سلب نمی‌کند؛ ثانیاً با توافق و رضایت خود زوج صورت می‌گیرد.

ب) حقوق زوجین: این فقیهان معتقدند زوجین می‌توانند با توافق یکدیگر، حقوق خود را محدود کنند. این امر به معنای نفی مطلق استمتاع نیست، بلکه تنها محدود کردن آن به زمان یا مکان خاص است (نجفی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۳۱، ص ۹۸).

نقد دیدگاه قائلان به جواز

برخی از فقیهان معتقدند این دیدگاه ممکن است با هدف اصلی نکاح یعنی توالد و تناسل مغایرت داشته باشد. از این رو این شرط می‌تواند به تضعیف بنیان خانواده منجر شود (علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۷، ص ۱۶۴). همچنین این شرط ممکن است در عمل به اختلاف‌های بیشتر بین زوجین دامن بزند؛ زیرا محدودیت‌های شدید می‌تواند سبب نارضایتی یکی از طرفین شود (شهید ثانی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۱۰۵).

۲-۲. قائلان به منع

این گروه شرط محدودیت استمتاع را مخالف مقتضای عقد نکاح دانسته‌اند و آن را باطل می‌دانند؛ چراکه معتقدند هدف اصلی نکاح، توالد و تناسل است و هر شرط مغایر با این هدف باطل است. از آنجاکه شرط محدودیت استمتاع با محدود کردن استمتاع به زمان یا مکان و شرایط خاص، می‌تواند مقدمه‌ای برای کاهش یا جلوگیری از ادامه نسل و توالد باشد، شرطی باطل است. ادله این گروه عبارت‌ند از:

الف) هدف اصلی نکاح: هدف اصلی نکاح، توالد و تناسل است و هر شرطی که با این هدف مغایرت داشته باشد، باطل است. شرط محدودیت استمتاع نیز با این هدف مغایرت دارد و باطل است (علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۷، ص ۱۶۴).

ب) مقتضای عقد نکاح: شرط محدودیت استمتاع با مقتضای عقد نکاح مغایرت دارد و باطل است (شهید ثانی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۱۰۵).

نقد دیدگاه قائلان به منع

بر اساس دیدگاه برخی از فقیهان، این دیدگاه ممکن است با واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی امروزی سازگار نباشد. امروزه زوجین ممکن است به دلایل مختلفی نیاز به محدودیت استمتاع داشته باشند و این شرط می‌تواند به تحکیم بنیان خانواده کمک کند (محقق حلی، ۱۴۰۸هـ، ج ۲، ص ۲۷۳). همچنین این دیدگاه ممکن است به نادیده گرفتن حقوق زوجین در تنظیم روابط زناشویی منجر شود (نجفی، ۱۴۱۴هـ، ج ۳۱، ص ۹۸). چنانچه اشاره شد، این شرط مغایرتی با مقتضای عقد نکاح ندارد؛ همچنین هدف اصلی نکاح صرف توالد و تناسل نیست، بلکه یکی از اهداف نکاح است و مهم‌ترین هدف نکاح، مصون ماندن زوجین از گناه و ایجاد سکون و آرامش - آیه اول سوره نساء - میان آنهاست. بنابراین دیدگاه قائلان به منع پذیرفتنی نیست.

۲-۳. قائلان به تفصیل

این گروه شرط محدودیت استمتاع در نکاح موقت را صحیح و در نکاح دائم باطل می‌دانند. این فقیهان معتقدند مقاصد نکاح دائم و موقت متفاوت است و شرط محدودیت استمتاع با مقاصد نکاح دائم مغایرت دارد. ادله این گروه عبارتند از:

الف) تفاوت مقاصد نکاح دائم و موقت: مقاصد نکاح دائم و موقت متفاوت است. در نکاح موقت، هدف اصلی استمتاع است؛ ازاین رو شرط محدودیت استمتاع در این نوع نکاح صحیح است. چراکه استمتاع طبق خواست زوج یا زوجین به هر حال اتفاق می‌افتد؛ ولی در نکاح دائم، هدف اصلی توالد و تناسل است و شرط محدودیت استمتاع با این هدف مغایرت دارد؛ زیرا در نهایت منجر به کاهش نسل می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۲هـ، ج ۲، ص ۱۰۵).

ب) مقتضای عقد نکاح: شرط محدودیت استمتاع در نکاح دائم با مقتضای عقد نکاح مغایرت دارد؛ ازاین رو باطل است (علامه حلی، ۱۴۱۳هـ، ج ۷، ص ۱۶۴).

نقد دیدگاه قائلان به تفصیل

برخی فقیها معتقدند این تفصیل با ادله فقهی و حقوقی سازگار نیست؛ زیرا شرط محدودیت استمتاع در هر دو نوع نکاح می‌تواند به تحکیم بنیان خانواده کمک کند (محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۲، ص ۲۷۳). همچنین این دیدگاه ممکن است به نادیده گرفتن حقوق زوجین در تنظیم روابط زناشویی منجر شود (نجفی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۳۱، ص ۹۸).

۳. بررسی دیدگاه فقیهان مذاهب چهارگانه اهل سنت درباره شرط محدودیت استمتاع

۳-۱. فقیهان حنفی

فقیهان حنفی شرط محدودیت استمتاع را در صورتی که از جانب زوج مطرح شود، صحیح می‌دانند. اینان معتقدند این شرط با حقوق زوجین منافاتی ندارد و می‌تواند به تحکیم بنیان خانواده کمک کند. ادله آنها عبارت‌اند از:

الف) قاعده «المسلمون عند شروطهم»: فقیهان حنفی به این قاعده استناد می‌کنند که مسلمانان به شروط خود پایبند هستند، مگر اینکه شرطی مخالف کتاب و سنت باشد. شرط محدودیت استمتاع در صورتی که با مقتضای عقد نکاح مغایرت نداشته باشد، مشمول این قاعده است (زحیلی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۹، ص ۶۵۴۴).

ب) حقوق زوجین: زوجین می‌توانند با توافق یکدیگر، حقوق خود را محدود کنند. این امر به معنای نفی مطلق استمتاع نیست، بلکه تنها محدود کردن آن به زمان یا مکان خاص است (ابن عابدین، ۱۴۱۲ هـ، ج ۳، ص ۴۵۶).

نقد دیدگاه حنفی

برخی از فقیهان معتقدند شرط محدودیت استمتاع ممکن است با هدف اصلی نکاح، یعنی توالد و تناسل مغایرت داشته باشد؛ از این رو این شرط می‌تواند به تضعیف بنیان

خانواده منجر شود. همچنین این شرط ممکن است در عمل به اختلاف‌های بیشترین زوجین دامن بزند؛ زیرا محدودیت‌های شدید می‌تواند باعث نارضایتی یکی از طرفین شود.

۳-۲. فقیهان مالکی

فقیهان مالکی نیز شرط محدودیت استمتاع را در صورتی که از جانب زوج مطرح شود، صحیح می‌دانند؛ چراکه این شرط با حقوق زوجین منافاتی ندارد و می‌تواند به تحکیم بنیان خانواده کمک کند. ادله آنها عبارت‌اند از:

الف) توافق زوجین: هر شرطی که با توافق زوجین باشد و مخالف مقتضای عقد نکاح نباشد، صحیح است. شرط محدودیت استمتاع نیز در این چارچوب قرار می‌گیرد (الدسوقی، ۱۴۱۵هـ، ج ۲، ص ۳۴۵).

ب) مصلحت خانواده: این شرط می‌تواند به تنظیم روابط زناشویی و جلوگیری از بروز اختلاف‌ها میان زوجین کمک کند (القرطبی، ۱۴۱۵هـ، ج ۵، ص ۶۷۸).

نقد دیدگاه مالکی

برخی از فقیهان استدلال می‌کنند شرط محدودیت استمتاع ممکن است با حقوق طبیعی زوجین در برقراری رابطه زناشویی مغایرت داشته باشد و به تضعیف رابطه عاطفی بین آنها منجر شود. همچنین این شرط ممکن است در عمل به سوءاستفاده یکی از طرفین منجر شود؛ به‌ویژه اگر یکی از زوجین از قدرت بیشتری در رابطه برخوردار باشد.

۳-۳. فقیهان شافعی

فقیهان شافعی شرط محدودیت استمتاع را در صورتی صحیح می‌دانند که از جانب زوج مطرح شود و زوجه آن را بپذیرد. اینان معتقدند این شرط اگر از جانب زوجه مطرح شود،

باطل است؛ زیرا با مقصود اصلی عقد نکاح مغایرت دارد. ادله آنها عبارت‌اند از:
الف) حقوق زوج: زوج حق دارد در چارچوب شرع، شرایطی را برای استمتاع تعیین کند، مشروط بر اینکه این شرایط با حقوق زوجه مغایرت نداشته باشد (الیمنی الشافعی، ۱۴۲۱هـ، ج ۹، ص ۳۸۹).

ب) مصلحت خانواده: این شرط می‌تواند به تنظیم روابط زناشویی و جلوگیری از بروز اختلاف‌ها میان زوجین کمک کند (النووی، ۱۴۱۵هـ، ج ۵، ص ۲۳۴).

نقد دیدگاه شافعی

برخی معتقدند این دیدگاه ممکن است به تبعیض بین زوج و زوجه منجر شود؛ زیرا تنها زوج حق تعیین شرایط را دارد و زوجه در این باره محدود است. همچنین این شرط ممکن است در عمل به نابرابری در رابطه زناشویی منجر شود، به ویژه اگر زوج از قدرت بیشتری در رابطه برخوردار باشد.

۳-۴. فقیهان حنبلی

فقیهان حنبلی شرط محدودیت استمتاع را در صورتی که از جانب زوج مطرح شود، صحیح می‌دانند؛ چراکه معتقدند این شرط با حقوق زوجین منافاتی ندارد و می‌تواند به تحکیم بنیان خانواده کمک کند. ادله آنها عبارت‌اند از:

الف) توافق زوجین: هر شرطی که با توافق زوجین باشد و مخالف مقتضای عقد نکاح نباشد، صحیح است. شرط محدودیت استمتاع نیز در این چارچوب قرار می‌گیرد (ابن قدامه، ۱۴۱۵هـ، ج ۵، ص ۳۴۵).

ب) مصلحت خانواده: این شرط می‌تواند به تنظیم روابط زناشویی و جلوگیری از بروز اختلاف‌ها میان زوجین کمک کند (ابن تیمیه، ۱۴۱۵هـ، ج ۳، ص ۴۵۶).

نقد دیدگاه حنبلی

برخی از فقیهان استدلال می‌کنند شرط محدودیت استمتاع ممکن است با حقوق طبیعی زوجین در برقراری رابطه زناشویی مغایرت داشته باشد و به تضعیف رابطه عاطفی بین آنها منجر شود. همچنین این شرط ممکن است در عمل به سوءاستفاده یکی از طرفین منجر شود؛ به‌ویژه اگر یکی از زوجین از قدرت بیشتری در رابطه برخوردار باشد.

۴. دیدگاه مختار و ادله آن

پس از بررسی دیدگاه‌های فقیهان مذاهب چهارگانه اهل سنت و نقد ادله آن‌ها، دیدگاه مختار این است که شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح، مشروع و اجراشدنی است، به شرطی که با مقتضای عقد نکاح مغایرت نداشته باشد. این شرط می‌تواند به عنوان یک راهکار برای تنظیم روابط زناشویی و جلوگیری از بروز اختلاف‌ها میان زوجین استفاده شود. ادله این دیدگاه عبارت‌اند از:

۴-۱. عمومات لزوم وفای به عقد و شرط

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أوفوا بالعقود: به عهد‌ها وفا کنید (مائده ۵: ۱)». این آیه دلالت بر لزوم وفای به تمامی شروطی دارد که ضمن عقد درج شده‌اند، مشروط بر اینکه این شروط مخالف مقتضای عقد نباشند. شرط محدودیت استمتاع نیز در صورتی که با مقتضای عقد نکاح مغایرت نداشته باشد، مشمول این آیه می‌شود و وفای به آن واجب است (زحیلی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۹، ص ۶۵۴۴).

۴-۲. حق بودن استمتاع

استمتاع جنسی یکی از حقوق شرعی زوجین است با عقد نکاح حاصل می‌شود. این

حق از جمله حقوقی است که در فقه اسلامی به رسمیت شناخته شده و قابل اسقاط یا محدود کردن است. به عبارت دیگر، زوجین می توانند با توافق یکدیگر، این حق را به صورت محدود یا مشروط در عقد نکاح درج کنند (حر عاملی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲۰، ص ۱۸۵).

۳-۴. قاعده «المسلمون عند شروطهم»

این قاعده فقهی بیان می کند که مسلمانان به شروط خود پایبند هستند، مگر اینکه شرطی مخالف کتاب و سنت باشد. شرط محدودیت استمتاع در صورتی که با مقتضای عقد نکاح مغایرت نداشته باشد، مشمول این قاعده است و وفای به آن واجب است (ابن قدامه، ۱۴۱۵ هـ، ج ۵، ص ۳۴۵).

۴-۴. مصلحت خانواده و جلوگیری از اختلاف ها

شرط محدودیت استمتاع می تواند راهکاری برای جلوگیری از بروز اختلاف ها میان زوجین و تحکیم بنیان خانواده باشد. این شرط با توجه به تغییرات فرهنگی و اجتماعی در دنیای مدرن، اهمیت بیشتری یافته است (النوی، ۱۴۱۵ هـ، ج ۵، ص ۲۳۴).

۵. بررسی حقوقی شرط محدودیت استمتاع در حقوق ایران

۱-۵. قانون مدنی ایران

بر اساس ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی ایران، زوجین می توانند هر شرطی را که مخالف با مقتضای عقد نکاح نباشد، ضمن عقد درج کنند. این ماده به زوجین این امکان را می دهد که با توافق یکدیگر، شروطی را در عقد نکاح قرار دهند که به بهبود روابط زناشویی و تحکیم بنیان خانواده کمک کند. شرط محدودیت استمتاع نیز در صورتی که با مقتضای عقد نکاح مغایرت نداشته باشد، اجراشدنی است.

۵-۲. قانون حمایت از خانواده

قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ به زوجین این امکان را می‌دهد که با توافق یکدیگر، شروطی را ضمن عقد نکاح درج کنند. این قانون با هدف تحکیم بنیان خانواده و جلوگیری از بروز اختلاف‌ها میان زوجین، به آنها اجازه می‌دهد شروطی را که به بهبود روابط زناشویی کمک می‌کند، در عقد نکاح قرار دهند.

۵-۳. مصادیق امروزی و چالش‌ها

امروزه با توجه به تغییرات فرهنگی و اجتماعی، شرط محدودیت استمتاع می‌تواند راهکاری برای تنظیم روابط زناشویی و جلوگیری از بروز اختلاف‌ها باشد؛ با این حال، این شرط ممکن است با چالش‌هایی نیز همراه باشد:

سوءاستفاده از شرط: در برخی موارد یکی از زوجین ممکن است از شرط محدودیت استمتاع سوءاستفاده کند و با تحمیل محدودیت‌های شدید، نارضایتی طرف دیگر را فراهم آورد. برای جلوگیری از این مشکل، لازم است شرط محدودیت استمتاع با توافق کامل زوجین و در چارچوب قانونی تنظیم شود.

تضعیف رابطه عاطفی: محدودیت‌های شدید در استمتاع ممکن است به تضعیف رابطه عاطفی بین زوجین منجر شود. بنابراین لازم است زوجین در تنظیم این شرط، تعادل را رعایت کنند و به نیازهای عاطفی و جسمی یکدیگر توجه داشته باشند.

۵-۴. رویه قضایی

در رویه قضایی ایران، شرط محدودیت استمتاع در صورتی که با مقتضای عقد نکاح مغایرت نداشته باشد، اجراشدنی است. دادگاه‌ها در مواردی که زوجین به توافق کامل رسیده‌اند و شرط محدودیت استمتاع به تحکیم بنیان خانواده کمک می‌کند، از این شرط

حمایت می‌کنند. با این حال، در مواردی که شرط محدودیت استمتاع به سوءاستفاده یکی از طرفین منجر شود، دادگاه‌ها ممکن است از اجرای این شرط خودداری کنند. بنابراین با توجه به قانون مدنی ایران و قانون حمایت از خانواده، شرط محدودیت استمتاع در صورتی که با مقتضای عقد نکاح مغایرت نداشته باشد، از دیدگاه حقوقی مشروع و اجرائی است.

۶. نسبت بین شرط محدودیت استمتاع در فقه اسلامی و حقوق ایران و تأثیر آن بر رضایت‌مندی زوجین و کاهش طلاق

نسبت بین شرط محدودیت استمتاع در فقه اسلامی و حقوق ایران و تأثیر آن بر رضایت‌مندی زوجین و کاهش طلاق به طور مستقیم و قابل توجهی قابل بررسی است. شرط محدودیت استمتاع، ابزاری قانونی و فقهی است که به زوجین امکان می‌دهد در چارچوبی مشخص و باتوافق یکدیگر، بهره‌مندی جنسی را تنظیم کنند. این تنظیم می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تعارضات در روابط زناشویی کمک کند؛ زیرا زوجین با آگاهی از شرایط خاص و زمان‌های تعیین شده برای استمتاع، احساس امنیت و رضایت بیشتری خواهند داشت. همچنین شرط محدودیت استمتاع می‌تواند به افزایش تعاملات مثبت میان زوجین منجر شود؛ زمانی که زوجین به یکدیگر توجه بیشتری دارند و نیازهای عاطفی و جسمی یکدیگر را درک می‌کنند، این امر به تقویت روابط و افزایش رضایت‌مندی منجر می‌شود. افزون بر این، با توجه به اینکه این شرط می‌تواند به پیشگیری از طلاق عاطفی کمک کند، می‌تواند به کاهش آمار طلاق نیز منجر شود. با ایجاد فضایی برای احترام و توجه متقابل، زوجین خواهند توانست به تفاوت‌های یکدیگر توجه کنند و در نتیجه روابط خود را بهبود بخشند. همچنین شرایط به وجود آمده از طریق شرط محدودیت استمتاع می‌تواند به تحکیم بنیان خانواده کمک کند؛ زیرا خانواده‌های مستحکم‌تر به احتمال بیشتری

می‌توانند در برابر چالش‌ها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی مقاومت کنند. بنابراین رابطه‌ای مستقیم و معنادار بین شرط محدودیت استمتاع و تأثیر آن بر رضایتمندی زوجین و کاهش طلاق وجود دارد که می‌تواند به عنوان یک موضوع مهم در پژوهش‌های اجتماعی و حقوقی مورد توجه قرار گیرد.

۷. محدودیت استمتاع و تأثیر آن در تداوم زندگی

شرط محدودیت استمتاع به معنای تعیین شرایط خاص برای بهره‌مندی جنسی زوجین است و می‌تواند محدودیت‌های زمانی و مکانی را دربرگیرد. زوجین با اجرای صحیح این شرط می‌توانند افزون بر تنظیم روابط زناشویی خود، از بروز اختلاف‌ها جلوگیری کنند؛ همچنین این شرط می‌تواند به حفظ حریم خصوصی خانواده کمک کند و نیازهای عاطفی زوجین را تأمین نماید.

تأثیر شرط محدودیت استمتاع بر تداوم زندگی زناشویی به چند طریق مشاهده‌شدنی است:

نخست: با تعیین شرایط مشخص، زوجین می‌توانند از بروز تنش‌ها و تعارضات جلوگیری کنند. وقتی هر یک از زوجین از قبل می‌دانند چه زمانی و چگونه می‌توانند از یکدیگر بهره‌مند شوند، احتمال بروز اختلاف‌ها کاهش می‌یابد.

دوم: این شرط می‌تواند به افزایش تعاملات مثبت میان زوجین منجر شود. با تعیین زمان‌های خاص برای استمتاع، زوجین قادر خواهند بود زمان بیشتری را به فعالیت‌های مشترک و تعاملات عاطفی اختصاص دهند که این امر به تقویت رابطه کمک می‌کند. سوم: با توجه به اینکه این شرط می‌تواند به توجه بیشتر زوجین به نیازهای یکدیگر منجر شود، احساس رضایت‌مندی و کاهش تنهایی در روابط زناشویی افزایش می‌یابد.

۸. تأثیر توافق اولیه بر حفظ زندگی زناشویی در مواجهه با نیازهای جنسی و محدودیت‌های خاص

نیاز جنسی یکی از جنبه‌های اساسی روابط زناشویی است که تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی مشترک دارد. رفع این نیاز در شرایط خاص به‌ویژه زمانی که یکی از زوجین به دلایل مختلف از جمله مشکلات جسمی، روانی یا اجتماعی قادر به تأمین این نیاز نیست، می‌تواند به چالش‌های جدی منجر شود. در این راستا، اعمال محدودیت‌هایی بر اساس توافق اولیه میان زوجین می‌تواند به حفظ زندگی زناشویی کمک کند. این توافق اولیه به‌ویژه هنگامی که شفاف و صادقانه انجام گیرد، می‌تواند به ایجاد درک متقابل و احترام به نیازهای یکدیگر منجر شود.

بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی و اجتماعی، توافق بر سر شرایط خاص و محدودیت‌ها می‌تواند به تقویت احساس امنیت عاطفی و اعتماد میان زوجین منجر شود. این امر به زوجین این امکان را می‌دهد که با آگاهی از شرایط و محدودیت‌ها، از بروز تنش‌ها و اختلافات جلوگیری کنند؛ همچنین این توافق می‌تواند به زوجین کمک کند بر اساس واقعیت‌های زندگی خود، نیازهای عاطفی و جنسی یکدیگر را بهتر درک کنند و به آن پاسخ دهند (فیاض، ۱۳۹۶ ه.ش، ج ۱، ص ۱۲۳ - ۱۴۵).

از دیدگاه فقهی و حقوقی نیز شرط محدودیت استمتاع، ابزار قانونی است که می‌تواند به تنظیم روابط زناشویی کمک کند و در صورت بروز مشکلات، به حفظ بنیان خانواده کمک نماید. بنابراین صرف توافق اولیه در شرایط خاص می‌تواند به حفظ زندگی زناشویی منجر شود؛ به شرطی که این توافق بر پایه درک متقابل، احترام به نیازهای یکدیگر و ارتباط مؤثر بنا شده باشد. این مبنا به زوجین این امکان را می‌دهد که در مواجهه با چالش‌ها، به جای انحلال رابطه، به تقویت آن بپردازند؛ در نتیجه به تداوم زندگی مشترک خود کمک کنند.

نتیجه

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و استناد به منابع فقهی و حقوقی، می‌توان نتیجه گرفت شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح، زمانی که با توافق زوجین انجام گیرد، مغایرتی با مقتضای عقد نکاح ندارد؛ بنابراین از دیدگاه فقهی و حقوقی مشروع و اجراشدنی است. بنابراین می‌تواند در جایگاه راهکاری برای تنظیم روابط زناشویی و جلوگیری از بروز اختلاف‌ها میان زوجین به کار گرفته شود. با این حال، باید توجه داشت که این شرط نباید به تضعیف بنیان خانواده یا سوءاستفاده یکی از طرفین منجر شود.

این پژوهش به بررسی جایگاه شرط محدودیت استمتاع در فقه اسلامی و حقوق ایران و تحلیل تأثیر آن بر رضایت‌مندی زناشویی و کاهش نرخ طلاق پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد این شرط در صورت رعایت چارچوب‌های شرعی و قانونی می‌تواند مکانیسمی مؤثر در تنظیم روابط خانوادگی باشد.

از منظر فقهی، با وجود سه دیدگاه «جواز»، «منع» و «تفصیل» در میان فقیهان، ادله قائلان به جواز از قوت بیشتری برخوردار است. استناد به عمومات لزوم وفای به عقد، قاعده التزام به شروط و توجه به مصلحت خانواده، پایه‌های مستحکمی برای پذیرش این شرط فراهم می‌کند. در مقابل، استدلال مخالفان مبتنی بر مغایرت با مقتضای عقد نکاح و هدف توالد و تناسل، با توجه به اهداف والاتر نکاح از جمله ایجاد سکون و آرامش، خدشه‌پذیر است.

در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده، بستر قانونی لازم برای اعتباربخشیدن به چنین شروطی را فراهم کرده‌اند. شرط محدودیت استمتاع در زمره شروط صحیح و مشروع قرار می‌گیرد که مخالفتی با قانون و نظم عمومی ندارد.

مهم‌ترین یافته این پژوهش، کارکرد اجتماعی و روان‌شناختی این شرط در شرایط زندگی

مدرن است. این شرط با ایجاد قابلیت پیش‌بینی و تعریف چارچوب‌های روشن، از بروز سوء تفاهم‌ها و کشمکش‌های روزمره می‌کاهد و فضایی برای گفتگو و درک متقابل فراهم می‌آورد. این امر در نهایت به افزایش رضایت عاطفی و کاهش طلاق عاطفی منجر می‌شود.

سرانجام اینکه شرط محدودیت استمتاع را می‌توان نمونه‌ای از ظرفیت‌های منعطف فقه و حقوق اسلامی در پاسخ‌گویی به نیازهای جدید خانوادگی دانست. موفقیت این شرط منوط به رعایت اصولی چون توافق آزادانه هر دو طرف، پرهیز از شروط تحمیلی و انعطاف‌پذیری در بازنگری شرط است. پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده با روش‌های میدانی به سنجش عینی تأثیر این شرط بر پایداری خانواده‌ها در جامعه ایران بپردازند.

پیشنهادهای پژوهشی

۱. اصلاح قوانین مدنی و حمایت از خانواده: پیشنهاد می‌شود در قوانین مدنی و حمایت از خانواده، به صراحت به مشروعیت شرط محدودیت استمتاع اشاره شود.
۲. آموزش و فرهنگ‌سازی: برگزاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی برای زوجین در مورد شروط ضمن عقد نکاح.
۳. پژوهش‌های بیشتر: انجام پژوهش‌های بیشتر در مورد تأثیر شرط محدودیت استمتاع بر روابط زناشویی و تحکیم بنیان خانواده.
۴. توسعه مبانی فقهی و حقوقی: توسعه مبانی فقهی و حقوقی شرط محدودیت استمتاع برای ارائه دیدگاه‌های جامع‌تر و دقیق‌تر.
۵. همکاری بین‌المللی: انجام همکاری‌های بین‌المللی در زمینه بررسی شرط محدودیت استمتاع در فقه اسلامی و حقوق خانواده.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۱۵ هـ). مجموع الفتاوی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عابدین، محمد امین. (۱۴۱۲ هـ). رد المحتار علی الدر المختار. بیروت: دارالفکر.
- ابن فارس، احمد. (۱۳۹۹ هـ). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دارالفکر.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۵ هـ). المغنی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ هـ). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۵ هـ). المکاسب. ج ۱. قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲ هـ). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی). (۱۴۱۳ هـ). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام. ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- دسوقی، محمد بن عرفه. (۱۴۱۵ هـ). حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- زحیلی، وهبه. (۱۴۱۸ هـ). الفقه الاسلامی و ادلته. بیروت: دارالفکر المعاصر.
- فیاض، ابراهیم. (۱۳۹۶ هـ). روان‌شناسی خانواده. چ ۱. تهران: سمت.
- قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۹۱.
- قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۵ هـ). الجامع لأحكام القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ هـ). شرایع الاسلام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۱ هـ). فقه امام جعفر صادق (ع). قم: مؤسسه انصاریان.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۴ هـ). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- نوی، یحیی بن شرف. (۱۴۱۵ هـ). المجموع شرح المذهب. بیروت: دارالفکر.
- یمنی شافعی، محمد بن ادريس. (۱۴۲۱ هـ). الأم. بیروت: دارالفکر.

References

The Holy Qur'an.

Anṣārī, Shaykh Murtaḍā. 1415 AH. *Al-Makāsib*. 1st ed. Qom: Kongirah-i Buzurgdāsht-i Shaykh al-Anṣārī.

Dasūqī, Muḥammad ibn 'Arafah. 1415 AH. *Hāshiyat al-Dasūqī 'alā al-Sharḥ al-Kabīr*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.

Fayyāḍ, Ibrāhīm. 1396 Sh. *Ravānshināsī-i Khānavādah [Family Psychology]*. 1st ed. Tehran: SAMT.

Al-Ḥillī, al-Ḥasan ibn Yūsuf ('Allāmah al-Ḥillī). 1413 AH. *Qawā'id al-Aḥkām fī Ma'rifat al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Vol. 3. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī.

Al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. 1412 AH. *Wasā'il al-Shī'ah*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt (A.S.).

Ibn 'Ābidīn, Muḥammad Amīn. 1412 AH. *Radd al-Muḥtār 'alā al-Durr al-Mukhtār*. Beirut: Dār al-Fikr.

Ibn Fāris, Aḥmad. 1399 AH. *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah*. Beirut: Dār al-Fikr.

Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. 1414 AH. *Lisān al-'Arab*. Beirut: Dār Ṣādir.

Ibn Qudāmah, 'Abdullāh ibn Aḥmad. 1415 AH. *Al-Mughnī*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.

Ibn Taymiyyah, Aḥmad ibn 'Abd al-Ḥalīm. 1415 AH. *Majmū' al-Fatāwā*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.

Mughniyah, Muḥammad Jawād. 1421 AH. *Fiqh al-Imām Ja'far al-Ṣādiq (A.S.)*. Qom: Mu'assasat Anṣārīyān.

Al-Muḥaqqiq [Al-] al-Ḥillī, Abu al-Qāsim Najm al-Dīn Ja'far ibn al-Ḥasan. 1408 AH. *Sharā'i' al-Islām*. Qom: Mu'assasat Ismā'īliyyān.

Al-Najafī, Muḥammad al-Ḥasan. 1414 AH. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.

Al-Nawawī, Yahyā ibn Sharaf. 1415 AH. *Al-Majmū' Sharḥ al-Muhadhdhab*. Beirut: Dār al-Fikr.

Qānūn-i Ḥimāyat az Khānavādah, Muṣawwab 1391 Sh. [Iranian Family Protection Law, enacted in 1391 Sh.].

Qānūn-i Madanī-i Īrān, Muṣawwab 1307 Sh. bā iṣlāḥāt-i ba'dī. [Iranian Civil Code, enacted in 1307/1928 with subsequent amendments].

Al-Qurṭubī, Muḥammad ibn Aḥmad. 1415 AH *Al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.

Al-Yamanī al-Shāfi'ī, Muḥammad ibn Idrīs. 1421 AH). [*Kitāb*] *Al-Umm*. Beirut: Dār al-Fikr.

Al-Zuḥaylī, Wahbah. 1418 AH. *Al-Fiqh al-Islāmī wa Adillatuh*. Beirut: Dār al-Fikr al-Mu'āṣir.